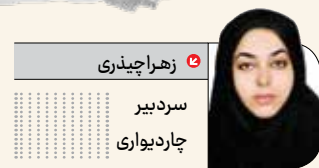


نوجوان امروزی دوست دارد دیده و شنیده شود؛ همین!



زهرا چیدری

سردبیر

چاردیواری

فارغ از این که نام شان را چه بگذاریم، نوجوانان امروزی زیست متفاوتی را تجربه کرده اند. آنها از زمانی که چشم باز کرده و خود را شناخته اند پای شان به فضای مجازی و شبکه های اجتماعی باز شده و خود ما کسانی هستیم که پای آنها را به چنین فضاهایی باز کرده ایم. حالا ما با نسلی مواجه ایم که در خیلی از موارد از نسل قبلی و پدر و مادرهای شان بیشتر می دانند! آنها هر روز و هر لحظه با حجم عظیمی از داده ها مواجه اند و همین بمباران اطلاعاتی موجب شده تا گاهی وقت ها در تشخیص اطلاعات درست و نادرست دچار اشکال و اشتباه شوند؛ البته چیزی شبیه به خود ما که همیشه و همه وقت تشخیص و رفتار درستی نداریم و ممکن است اشتباه کنیم. درست است که ما هم دوران نوجوانی را گذرانده و از این مرحله عبور کرده ایم اما نمی توان انکار کرد ویژگی های دوران نوجوانی ما با امروز متفاوت بود. پیشرفت های ارتباطاتی و تکنولوژیکی کار را به جایی رسانده که شکاف های بین نسلی با فواصل سنی کوتاه تری رخ می دهد و به باور برخی کارشناسان، فاصله بین نسل ها به پنج سال کاهش یافته است. با تمام اینها اما نوجوانان ما خیلی هم موجودات عجیب و غریبی نیستند و بیان تفاوت های نسلی میان ما و فرزندان نوجوان مان صرفا برای آن است که بتوانیم درک بهتری از شرایط و حالات روحی و روانی و نیازهای این نسل داشته باشیم. این نسل هم درست مانند نسل ما دوست دارند شنیده شوند اما خب کمی مطالبه گرتر هستند و دیده و شنیده نشدن شان می تواند آنها را به واکنش وا دارد. بنابراین نخستین گام برای مدیریت نوجوانان این است که با او ارتباط برقرار کنید. به او اجازه دهید حرف بزند و اظهار نظر کند و به اظهار نظرهایش گوش دهید. خیلی وقت ها آنها می توانند ما را به خوبی راهنمایی کنند. چه اشکالی دارد که در برخی موارد از کمک فرزندان مان استفاده کنیم؟ مطمئن باشید فرصت ابراز وجود می تواند اعتماد به نفس و عزت نفس را در نوجوان ما زنده کرده، احساس خوبی را به او منتقل کند و مطمئن باشید فرزندان ما هم به خوبی می توانند ما را درک کنند، به شرطی که با آنها همراه و همدل باشیم و بتوانیم تعاملی دوسویه برقرار کنیم. شاید نگاه از بالا به پایین و خود برتری بینی های والدین نسل گذشته را نتوان برای نسل امروز اجرایی کرد. این نسل در عین پیچیدگی، ویژگی های انسانی مشترک با نسل های پیشین را دارد؛ نسلی که دوست دارد دیده شود و مورد محبت و توجه قرار گیرد. بی تردید با چنین رویکردی نوجوان ما می تواند بهترین خودش شود.

درنگ

معنای پرورش و رشد اعمال چیست؟

مثل نهال که رشد می کند، نقش اعمال نیک و بد در نفس مسلمان و کافر رشد کرده و او را به بهشت یا جهنم می کشد و رسیدگی به این کار با امام علیه السلام است و ملائکه کاتب اعمال، از منشیان امام علیه السلام هستند و این امام است که خداوند درباره او می فرماید: و بگو: [هر کار می خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست. که مقصود از «الْمُؤْمِنُونَ» امام علیه السلام است.

همچنین می فرماید: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ» روزی که هر گروه از مردم را با امام شان می خوانیم. یعنی در عالم محشر از راه امام، دعوت می شوند و او افراد امت را حاضر می کند و این امام علیه السلام است که در صراط به جهنم

گفت و گو

گزارش

دیباجه

اینفو

چگونه می توان خلاقیت را در کودکان پرورش داد؟

پرورش خلاقیت دانش آموزان

پرورش فرزند و دانش آموز خلاق یکی از ایده آل های هر پدر و مادر و در درجه بعدی هر معلم و مربی ای است، اما این مسأله راهکارهای خاص خود را می طلبد و نیازمند مطالعه و تلاش است.

در این مسیر باید بدانیم خلاقیت، میلی ذاتی است که در وجود انسان به امانت گذاشته شده و انسان نشانه ای از خلاقیت الهی است. تحولات پرشتاب جهانی در عرصه علم و صنعت، باعث شده تا جوامع بشری با روش و نگاهی جدید به دارایی های غیرمحمسوس خود درصدد افزایش توانایی های شان، برای همسوس شدن با این تغییرات باشند.



معرفی

در اصل ساکن بودن و بی تحرکی در دنیای متغیر امروز چه برای یک سازمان و چه برای یک کشور هرچقدر که باشد، نتیجه ای جز نابودی به نخواهد داشت. درحال حاضر نوآوری و خلاقیت نه تنها یک نیاز است بلکه باعث پایداری هر سازمان یا جامعه ای می شود و بر آموزش و کسب مهارت های لازم در به کارگیری این استعداد ویژه بشری تأکید بسیاری شده است.

خلاقیت مهم ترین موضوع در ایران و تمام جوامع در حال توسعه است. خلاقیت نه مربوط به نژادی خاص و نه موروثی است بلکه مسأله ای آموزشی محسوب می شود.

حتی در کشورهای پیشرفته، اگر سیستم های خلاق

آنها دیگر کار نکنند، از رقابت ها عقب می افتد و از بین می رود. بنابراین

خلاقیت، تنها راه پایداری کشورهای در حال توسعه است و هیچ راه دیگری نیز وجود ندارد.

کتاب «پرورش خلاقیت دانش آموزان» نوشته محترم دمیرچی لو و علیرضا مهدی بادی، به بررسی مباحثی چون چگونگی پرورش خلاقیت، روش های تفکر خلاق، انواع خلاقیت، موانع رشد خلاقیت و ... می پردازد. در بخشی از کتاب پرورش خلاقیت دانش آموزان می خوانیم:

یکی از مشکلات ما در نظام آموزشی این است که اغلب سیستم های آموزشی ما به جای تاکید بر استفاده از قدرت شگفت انگیز مغز برای ایجاد افکار جدید و ایده های نو و تبدیل آنها به واقعیت، به انباشتن و ذخیره سازی اطلاعات می پردازد. ولی در عصری که ما زندگی می کنیم با توجه به تغییر و تحولات سریع و انفجار دانش و اطلاعات و استفاده از تکنولوژی های جدید که امکان دسترسی به هر نوع اطلاعات را در آن واحد برای ما میسر می سازد، نیازمند کسب مهارت های تفکر خلاق، قابل انعطاف و دقیق هستیم و نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که خلاقیت قابل پرورش و رشد باشد و این مستلزم تغییر و تحول در نظام آموزشی و به کارگیری شیوه های خاصی است که باید دست اندرکاران تعلیم و تربیت از سطوح بالاتر گرفته تا مدیران و معلمان مدارس و حتی اولیای دانش آموزان به آن توجه کنند.

در ارتباط با خلاقیت سؤالی که مطرح می شود این است که آیا بین خلاقیت و هوش رابطه ای وجود دارد یا نه؟ برخی از متخصصان یک الگوی آستانه ای از خلاقیت ارائه داده اند. طبق این الگو میزان هوش فرد باید از حد معینی بالاتر باشد تا بتواند آثار خلاق در رشته خود ارائه دهد و برای این مسأله بهره هوشی ۱۲۰ را عنوان کرده اند. فراتر از آستانه هوش، دستاوردهای خلاق به عوامل دیگری نظیر سیالی اندیشه ها و به متغیرهای شخصیتی بستگی دارد. همچنین در مورد توانایی های مختلف، آستانه هوشی لازم برای ایجاد دستاوردهای خلاق متفاوت است.

در علم روان شناسی اعصاب معتقدند که تفکر ریاضی و کلامی (صحبت کردن، خواندن و نگارش معمول) عموما در نیمکره چپ مغز انجام می شود درحالی که تفکر فضایی، کل نگرانه و خلاق در نیمکره راست صورت می گیرد.



چیستی تقوا

تقوا یعنی چه؟ یعنی خودنگهداری. خودنگهداری یعنی چه؟ یعنی تسلط بر نفس.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: تقوای الهی یک خاصیتش این است که انسان را از محرمات الهی نگهداری می کند. خاصیت دیگرش این است که خوف خدا را در دل انسان جایگزین می سازد. قرآن در باب روزه می گوید: ای مردم با ایمان برای شماروزه فرض شده است همچنان که برای پیشینیان شما فرض شده بود، چرا؟ قرآن فلسفه را هم ذکر می کند: لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ برای این که در شما روح تقوا و ملکه تقوا پیدا بشود. ملکه تقوا یعنی چه؟ یعنی تسلط بر نفس. تسلط بر نفس همان است که امام صادق (ع) فرمود ربوبیت (الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةُ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ).. پس اگر ما ماه رمضان را گذرانیم، شب های احیایی را گذرانیم، روزه های متوالی را گذرانیم و بعد از ماه رمضان در دل خودمان احساس کردیم که بر شهوات خودمان بیش از پیش از ماه رمضان مسلط هستیم، بر عصانیت خودمان از سابق بیشتر مسلطیم، بر چشم خودمان بیشتر مسلطیم، بر زبان خودمان بیشتر مسلط هستیم، بر اعضا و جوارح خودمان بیشتر مسلط هستیم و بالاخره بر نفس خودمان بیشتر مسلط هستیم و می توانیم جلوی نفس اماره را بگیریم، این علامت قبولی روزه ماست. اما اگر ماه رمضانی گذشت و تمام شد و حظ ما از ماه رمضان - آن طور که پیغمبر اکرم (ص) فرمود که بعضی از مردم حظ شان از روزه فقط گرسنگی و تشنگی است - فقط این بوده که یک ماه یک گرسنگی هابی و یک تشنگی هابی کشیدیم، یک بد حالی پیدا کردیم و در نتیجه این بد حالی قدرت ما بر کارکردن کمتر شد و بعد آمدیم روزه را متهم کردیم که روزه هم شد کار در دنیا؟! این علامت قبول نشدن روزه ماست. در صورتی که اگر انسان در ماه رمضان روزه گیر واقعی باشد، اگر واقعا به خودش گرسنگی بدهد و همین طور که گفته شده، سه وعده غذا را تبدیل به دو وعده کند، یعنی قبلا یک صبحانه و یک ناهار و یک شام می خورد، حالا دیگر ناهار نداشته باشد، افطارش فقط به اندازه یک صبحانه مختصر باشد، بعد هم سحر نه خیلی زیاد بر معده تحمیل کند بلکه یک غذای متعارف بخورد، بعد احساس می کند که هم نیروی بدنی اش بر کار افزایش پیدا کرده و هم نیروی روحی اش بر کار خیر و برای تسلط بر نفس. این حداقل عبادت است. قرآن و نهج البلاغه و امام جعفر صادق (ع) و امام زین العابدین (ع) هرچه کلمات را متفرق و به زبان های مختلف گفته باشند ولی وقتی که شما نگاه می کنید، می بینید همه یک حقیقت را دریافته اند و یک حقیقت را ذکر می کنند. ما در دو آیه از آیات قرآن اینچنین می خوانیم، یعنی درد و جان این آیه تکرار شده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ائِ اهل ایمان! از نماز و از صبر که به روزه تفسیر شده است، کمک بگیرید. این تعبیر خیلی عجیب است! به ما می گویند از نماز استمداد کن، از روزه استمداد کن، یعنی تو نمی دانی که این نماز چه منبع نیرویی است! این روزه چه منبع نیرویی است! اگر به شما گفتند نماز بخوانید، شما را به یک منبع نیرو هدایت کرده اند و اگر گفته اند روزه بگیرید شما را به یک منبع نیرو هدایت کرده اند. برای این که بر نفس و روح خودتان مسلط بشوید نماز بخوانید و روزه بگیرید. الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةُ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ..

حال آیا این ربوبیت و تسلط به همین جا خاتمه پیدا می کند؟ نه، درجات و مراتب دارد. به هر درجه که شما در مسیر عبودیت جلو بروید ربوبیت پیدا می کنید و به اصطلاح ولایت یعنی تسلط پیدا می کنید.

برگرفته از کتاب آزادی های معنوی

استاد شهید مرتضی مطهری

می فرماید: «هَذَا عِدْوَى حُذْبِهِ» و این دشمن من است، پس او را بگیر. این امام علیه السلام است که میزان اعمال است و این امام علیه السلام است که شفاعت می کند؛ البته پیغمبر اکرم صلی... علیه و آله و سلم نیز مقام امامت را داراست و مسأله نبوت مربوط به تبلیغ است. نتیجه این که: هر شخص به واسطه نقش هایی که در اثر اعمال در نفس او پدید می آید، رشد و سیر می کند و نتایج خیر و شر اعمال و نعمت یا نعمت و عذاب را امام علیه السلام باذن... به او عنایت می کند. و در عین حال «إِنَّمَا الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ... تَعَالَى»؛ کار تنها به دست خداوند متعال است.

کتاب در محضر علامه، ص ۹۲